

الدرس الثالث والعشرون

پدر = الوالد

حالش چطور است = كيف حاله

ديدن = رؤية

تو آمدي = أنت جئت

خواهش مي كنم = عفواً

اتاق = غرفة

كدام = أيّ

با من = معي

بيا = تعال

خوبم = أنا بخير

تو چطوري = كيف أنتَ

شما چطوريد = كيف أنتم

دوست = صديق

دوست صميمي = صديق حميم

خوشبختم = فرصة سعيدة

به خاطر = لاجل

گل = ورد

گلها = ورود

زحمت کشیدی = تکرّمَت

الان = الآن

بهتر = أفضل

امروز بهترم = انا اليوم أفضل

فکر می کنم = أَظنّ

عمل جراحی = عملية جراحية

برای = لـ ، لأجل

سخت = صعب

چون = لأنّ

پیر = عجوز

تو نیستی = أنتَ لستَ

جوان = شاب

جراحان = جراحون

بسیار خوب = جيد جداً

او دارد = هو عنده

من از او متشکرم = أنا أشكره

اذن نستمع الي الحوار بين محمد وعلي ووالد علي:

محمد: سلام علي. حال پدرت چطور است؟

محمد: مرحبا علي. كيف حال أبيك؟

علي: سلام، خوب است. الحمد لله. از آمدنت متشکرم.

علي: جيد. الحمد لله. شكراً لمجيئك.

محمد: خواهش مي كنم. پدرت در کدام اتاق است؟

محمد: عفواً، والدك في أي غرفة؟

علي: با من بيا.

علي: تعال معي.

نستمع للحوار مرة أخرى باللغة الفارسية فقط.

محمد: سلام علي. حال پدرت چطور است؟

علي: سلام، خوب است. الحمد لله. از آمدنت متشکرم.

محمد: خواهش مي كنم. پدرت در کدام اتاق است؟

علي: با من بيا.

يدخل محمد وعلي الغرفة. والد علي مستلقٍ علي السرير والممرضة تفحصه.
تخرج الممرضة من الغرفة. يتقدم محمد نحو والد علي ويديه باقة ورود ويسأل عن حاله.

محمد: سلام. حالتان چطور است؟ من محمد هستم.

محمد: مرحباً. كيف حالک؟ أنا محمد.

پدر علي: سلام. الحمد لله من خوبم. تو چطوري؟

والد علي: مرحباً. الحمد لله أنا بخير. وأنت كيف؟

علي: پدر! محمد، دوست صميمي من است.

علي: أبي! محمد، صديقي الحميم.

پدر علي: خوشبختم. زحمت کشيدي. به خاطر گلها خيلي ممنون.

والد علي: فرصة سعيدة. شكراً جزيلاً علي الورود.

محمد: خواهش مي كنم. الان حالتان چطور است؟ بهتر شده ايد؟

محمد: عفواً. كيف حالک الان؟ أصبحت أفضل؟

پدر علي: بله. امروز بهترم. فکر می كنم كه عمل جراحي براي من سخت تر از ديگران است، چون من پيرم.

والد علي: نعم. اليوم أفضل. أظنّ أنّ العملية الجراحية لي أصعب من الآخرين،
لاني عجوز.

محمد: نه شما پير نيسي. شما جواني وايران جراحان خيلي خوبي دارد.

محمد: لا أنت لست عجوراً. أنت شاب وفي ايران جراحون جيّدون جداً.

پدر علي: بله. دكتور رضوي جراح بسيار خوبي است. از او متشكرم.

والد علي: نعم. الدكتور رضوي جراح جيّد جداً. أنا أشكره.

نستمع للحوار مرة أخرى باللغة الفارسية فقط.

محمد: سلام. حالتان چطور است؟ من محمد هستم.

پدر علي: سلام. الحمد لله من خوبم. تو چطوري؟

علي: پدر! محمد، دوست صميمي من است.

پدر علي: خوشبختم. زحمت کشيدي. به خاطر گلها خيلي ممنون.

محمد: خواهش مي كنم. الان حالتان چطور است؟ بهتر شده ايد؟

پدر علي: بله. امروز بهترم. فكر مي كنم كه عمل جراحي براي من سخت تر از ديگران است، چون من پيرم.

محمد: نه شما پير نيسي. شما جواني وايران جراحان خيلي خوبي دارد.

پدر علي: بله. دكتور رضوي جراح بسيار خوبي است. از او متشكرم.